فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی
Human Sciences Research Journal
دوره جدید، شماره ۲۵، زمستان ۱۳۹۸، صص ۴۹-۳۳ New Period, No 25, 2020, P 33-49
شماره شاپا (۲۴۷۶-۷۰۱۸) ISSN (2476-7018)

واکاوی روابط هویت و ثبات فردی بر میزان رشد اجتماعی دانش‌آموزان (مورد: بخش داشلی‌برون، شهرستان گنبدکاووس)

شیرین قریشی
کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گرگان، ایران
ghoreishi.x@gmail.com

چکیده

جست‌وجوی هویت کاری دائمی است و به معنای افتراق و تمایزی است که فرد بین خود و دیگران می‌گذارد. هویت شخصی یک ساختار روانی- اجتماعی است؛ یعنی هم شامل طرز تفکرها و عقیده‌ها می‌شود که معرف فرد است و هم نحوه ارتباط فرد با دیگران را می‌رساند. هویت به معنی «چه کسی بودن» است و از نیاز طبیعی انسان به شناخته شدن و شناسانده شدن به چیزی یا جایی بر می‌آید. این حس تعلق، بنیادی ذاتی در وجود انسان دارد. نیاز کودکان و نوجوانان به هویت و ثبات هویتی بیش از هر زمان دیگری است و نوظهور بودن این پدیده بررسی‌ها و تحلیل‌های فراوانی را می‌طلبد. در این میان، کسب هویت موفق به تجربه احساس راحت و سلامت باز می‌گردد، زمانی‌که کودکان و نوجوان به هویتی قابل اعتماد دست یابد، جهت حرکت خویش را شناخته و کمتر دچار استرس می‌گردد. از این‌رو، با توجه به موضوع و عنوان تحقیق، هدف پژهش حاضر واکاوی روابط میان هویت و ثبات فردی کودکان و نوجوانان دانش‌آموز بر میزان رشد اجتماعی آنان می‌باشد. این تحقیق از نوع کاربردی بوده و از نظر روش تحقیق از نوع توصیفی- همبستگی می‌باشد. جامعه آماری پژوهش شامل ۶۷۲۶ نفر از کل دانش‌آموزان بخش داشلی‌برون شهرستان گنبدکاووس بوده که حجم نمونه آن شامل ۲۱۰ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی می‌باشد. جهت بررسی، داده‌پردازی و تحلیل اطلاعات میدانی از نرم‌افزار تحلیل آماری SPSS. 24 استفاده گردیده است. به طورکلی، یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که میزان رشد اجتماعی دانش‌آموزان به لحاظ روانی به صورت منفی بحران هویت را پیش‌بینی کرده است. از طرفی، متغیر ثبات فردی دانش‌آموزان نیز به شکل معنادار و مثبتی میزان رشد روانی اجتماعی آنان را پیش‌بینی می‌نماید.

واژه‌های کلیدی: هویت، ثبات فردی، رشد روانی، دانش‌آموزان، بخش داشلی‌برون.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

بیان مسأله

جست‌وجوی هویت کاری دائمی است و از زمانی آغاز می‌شود که نوجوان متوجه قیافه خود در آینه می‌شود و از خود می‌پرسد: من چه کسی هستم؟ او از هیچ کس نبودن می‌هراسد و سرکشی و نافرمانی‌اش با والدین، تلاش و کشمکش برای یافتن هویت خویش است. هویت که معادل واژه لاتین "Identity" است، یعنی اعتقاد به اینکه ما فردی متمایز از دیگران و همچنین شخص مهم و باارزشی هستیم. به عبارت دیگر، هویت عبارت از افتراق و تمایزی است که فرد بین خود و دیگران می‌گذارد. هویت شخصی یک ساختار روانی- اجتماعی است؛ یعنی هم شامل طرز تفکرها و عقیده‌ها می‌شود که معرف فرد است و هم نحوه ارتباط فرد با دیگران را می‌رساند. هویت به معنی «چه کسی بودن» است و از نیاز طبیعی انسان به شناخته شدن و شناسانده شدن به چیزی (جایی) بر می‌آید. این حس تعلق، بنیادی ذاتی در وجود انسان دارد. برآورده شدن این نیاز، «خودآگاهی» فردی را در انسان سبب می‌شود و ارضای حس تعلق میان یک گروه انسانی، خودآگاهی جمعی و مشترک یا هویت آن گروه انسانی را تعیین می‌کند (Carraro & Gobbi, 2012). لذا هویت در قالب فردی قابل تعریف است. هویت فردی شامل ویژگی‌های شخصیتی یک فرد است که موجب تمایز او از دیگری می‌شوند. در واقع، ابعاد گوناگون شخصیت یک فرد هویت او را مشخص می‌کند. اکثر معضلات و مشکلات دوران کودکی و نوجوانی دانش‌آموزان ریشه در نحوه گذراندن آنان از بحران هویت دارد و چنانچه ابعاد مختلف این دوران مهم و بحرانی زندگی با دقت مورد کنکاش قرار گیرد و کودک یا نوجوان با آگاهی کامل این دوران را سپری نماید، مصونیت ایشان در مواجهه با آسیب‌های اجتماعی افزایش خواهد یافت (ایروانی و حمیدی، ۱۳۸۸).

برخی معتقدند، هویت به زندگی افراد معنا می‌بخشد و هویت در کودکان یا نوجوانان فرایند ساخته شدن معنا بر پایه یک ویژگی فرهنگی با یک دسته ویژگی‌های فرهنگی است که بر دیگر منابع معنا برتری دارند (Castells, 1997). نیاز به احساس هویت از شرایط هستی انسان سرچشمه می‌گیرد و منبع شدیدترین تلاش‌ها و کشش‌هاست، زیرا فرد بدون احساس من بودن نمی‌تواند از سلامت روانی برخوردار باشد. لذا برای به دست آوردن من از هیچ کاری فروگذار نیست. این نیاز در فراسوی میل شدید به موقعیت اجتماعی و انطباق نهفته است و گاهی شدیدتر از میل به ادامهی زندگی جسمی است. نیاز به پیوند، ریشه داشتن و اعتلا از لحاظ ابراز هویت آنچنان حیاتی است که اگر انسان نتواند این نیاز را به طریقی تأمین کند، سلامت روحی و روانی هم نخواهد داشت (فروم، ۱۳۷۰). بعلاوه، مطابق با نظریه اریکسون رشد کودک (نوجوان)، خود محصول علل و عوامل متعددی و تبادلات پیوسته بین ساختار بیولوژیکی، ژنتیک و ویژگی‌های محیطی بوده و یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر رشد روانی و اجتماعی است، روابط والدین و کودکان می‌باشد که از اهمیت بحرانی در زندگی کودک یا نوجوان در حال رشد برخوردار است (Kim, 2016). همچنین به دنبال تجربه مشکلات و استرس‌های فردی و محیطی فراوان، مهم‌ترین خطری که این افراد را تهدید می‌نماید، آن است که این افراد در برابر قرار گرفتن مکرر در موقعیت‌های

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

نامناسب از جمله احساس ناامنی، فشار، آشفتگی روانی، حقارت، بیگانگی و تعارض با والدین، مشکلات زندگی و غیره، گاهی به اعتیاد و مواد مخدر پناه می‌برند (ایزرائیل و نلسون، ۱۹۷۷).

شایان ذکر است که منظور از مشکلات و بحران‌های رفتاری عبارت است از مشکلات و معضلاتی که کودک یا نوجوان دانش‌آموز معمولاً در برابر با همکلاسی‌ها، والدین، وظایف تحصیلی، مسائل اجتماعی و شخصی با آن روبرو می‌شوند (انیسی و همکاران، ۱۳۸۶). رفتارهای نامناسب، عوامل تهدیدکننده سلامت و پیامدهای منفی کودکی یا نوجوانی می‌تواند تهدید جدی را بر سلامت فرد در طول زندگی ایجاد کند (Baoliang, 2010). بنابراین در این پژوهش به دنبال واکاوی روابط میان رشد روانی اجتماعی کودکان و نوجوانان دانش‌آموز و بحران هویت آنان است.

با توجه به این هدف کلی، می‌توان اهداف جزئی‌تری را نیز دنبال نمود که عبارتند از:

الف) بررسی و تعیین رابطه میزان رشد روانی اجتماعی دانش‌آموزان بخش داشلی‌برون گنبدکاووس با بحران هویت آنان؛

ب) بررسی و تعیین رابطه میان ثبات فردی دانش‌آموزان بخش داشلی‌برون گنبدکاووس با میزان رشد روانی اجتماعی آنها.

پیشینه و آثار تحریری دیگران

با توجه به موضوع کلی تحقیق حاضر، یعنی واکاوی روابط هویت و ثبات فردی بر میزان رشد اجتماعی دانش‌آموزان تحقیقات و مطالعات ارزشمندی صورت پذیرفته که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌گردد؛

مریدی و تقی زادگان (۱۳۸۶): در مقاله‌ای تحت عنوان "بررسی بحران هویت در بین دانش‌آموزان (نمونه موردی دانش‌آموزان شهر لار در سال تحصیلی ۸۵-۱۳۸۴)" به دنبال بررسی فرایند هویت‌یابی و بحران هویت در بین دانش‌آموزان است. در این تحقیق، تئوری‌های مکتب روان‌شناسی گشتالت، مکتب روان‌شناسی رشد و مکتب جامعه‌شناسی کنش متقابل‌گرا بررسی شده و در نهایت، با تحلیل نظریه‌های اریکسون و استرایکر و تلفیق آنها، مدل تحلیلی تحقیق ارایه گردیده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در این مدل، دو بعد شناختی و ارزشی در هویت شناسایی می‌شود، به‌طوری که پاسخ به سوال «کیستم؟»، بعنوان بعد شناختی و پاسخ به سوال «چه می‌خواهم؟» بعنوان بعد ارزشی فرایند هویت‌یابی مطرح می‌گردد.

اخوان‌تفتی و موسوی (۱۳۸۶): در مطالعه خود با عنوان "بررسی رابطه رشد اجتماعی و رشد زبانی دختران دانش‌آموز پایه اوّل"، به دنبال بررسی رابطه رشد اجتماعی و رشد زبانی در دانش‌آموزان دختر پایه اوّل دبستان‌های دولتی شهر قزوین بوده و هدف آن تعیین چگونگی رابطه بین این دو متغیر و نشان دادن اهمیت رشد اجتماعی و تأثیر آن بر رشد زبانی دانش‌آموزان دختر پایه اوّل است. نتایج بدست آمده از اجرای آزمون رشد زبان Told-P-3 و پرسشنامه رشد اجتماعی واینلد نشان داد که رابطه همبستگی بین رشد زبانی و رشد اجتماعی با ضریب ۰/۵۹ معنادار است. همچنین از محاسبه ضرایب همبستگی که بین خرده

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

مهارت‌های رشد زبانی به‌ترتیب گوش‌کردن، سازماندهی، صحبت‌کردن، معناشناسی و نحو و رشد اجتماعی بعمل آمد؛ می‌توان رابطه همبستگی بین هر کدام از خرده مهارت‌های رشد زبانی و رشد اجتماعی را (به ترتیب) با ضرایب ۰/۵۱، ۰/۴۷، ۰/۴۵، ۰/۴۷ و ۰/۵۸ معنادار دانست.

هاشمی و رضوی (۱۳۸۷): در مطالعه خود با عنوان "بررسی و مقایسه سبک‌های هویت و عوامل مرتبط با آن در دانش‌آموزان نوجوان شاهد" به دنبال بررسی سبک‌های هویتی دانش‌آموزان نوجوان شاهد و عوامل مرتبط با آن بودند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که بین سبک‌های هویتی دانش‌آموزان دختر و پسر به جز در سبک سردرگم/ اجتنابی تفاوتی دیده نمی‌شود. همچنین بین سن، برخی از مؤلفه‌های عملکرد خانواده و سبک‌های هویتی رابطه معناداری دیده شده است. از طرفی، بین سبک‌های هویتی و سبک‌های کنار آمدن یا مقابله رابطه معنادار مشاهده شد. نتیجه اینکه شکل‌گیری هویت در نوجوانان شاهد تفاوتی با سایر نوجوانان ندارد. از سوی دیگر، نوجوانان دارای هویت موفق در خانواده‌هایی رشد می‌کنند که در آنها اعضای خانواده با یکدیگر روابط عاطفی خوبی دارند.

ایروانی و یوسفی‌حمیدی (۱۳۸۸): در پژوهشی با عنوان "بررسی رابطه بین عملکرد خانواده و بحران هویت نوجوانان خمینی‌شهر"، بر این نکته اشاره دارد که بسیاری از مشکلات دوران نوجوانی ریشه در چگونگی گذر وی از بحران هویت دارد و چنانچه ابعاد گوناگون این دوران مهم زندگی به دقت مورد مطالعه قرار گیرد و نوجوان با آگاهی کامل این دوران را سپری کند، مصونیت وی در برابر آسیب‌های اجتماعی افزایش خواهد یافت و به سهولت هویت موفق را احراز خواهد کرد. نتایج تحقیق ایشان نشانگر آن است که بین هویت با کارکردهای خانواده، نوع روابط خانوادگی، توانایی حل مشکلات خانوادگی و میزان کنترل رفتار رابطه معناداری وجود دارد ولی بین آمیزش عاطفی با بحران هویت رابطه معناداری مشاهده نشد.

اسکندری (۱۳۹۱): در پژوهشی تحت عنوان "بررسی رابطه بین میزان فعالیت‌های پرورشی مدارس و ابعاد هویتی دانش‌آموزان" بر این نکته تاکید دارند که هویت دانش‌آموزان، از جمله هویت فردی، هویت اجتماعی و هویت دینی از رسالت‌های محوری امور تربیتی یا پرورشی است که در سندهای اخیر وزارت آموزش و پرورش به کرات و در بندهای مهم روی واژه «هویت» تأکید شده است. در همین راستا پژوهش حاضر برای بررسی رابطه بین فعالیت‌های پرورشی مدارس استان خراسان شمالی و ابعاد هویت فردی دانش‌آموزان طراحی و اجرا شده است. یافته‌های پژوهش در وهله اوّل نشان داد که دانش‌آموزان از بعد هویت فردی از وضعیت مطلوبی برخوردارند؛ اما در بعد هویت اجتماعی و دینی اگرچه میانگین نمره آنها بالاتر از متوسط بود اما با وضعیت مطلوب فاصله داشت. بعلاوه در رابطه با محور اصلی این پژوهش، تحلیل داده‌ها نشان داد که در حالت کلی، بین میزان فعالیت پرورشی مدرسه و سه بعد هویت فردی، اجتماعی و دینی، تنها بین فعالیت‌های پرورشی و هویت اجتماعی رابطه مثبت و معناداری مشاهده می‌شود ولی در دو مورد دیگر رابطه معناداری مشاهده نشد.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

رجایی و همکاران (۱۳۹۳): در مقاله مشترک خود با عنوان "بررسی رابطه نحوه برخورد والدین با بحران هویت نوجوانان" سعی در بررسی رابطه‌ی نحوه برخورد والدین با بحران هویت نوجوانان بودند. نمونه پژوهش شامل دانش‌آموزان دختر دبیرستان‌ها بودند که نتایج این تحقیق نشان داد که بین نحوه برخورد سهل‌گیرانه و استبدادی والدین با بحران هویت و مولفه‌های آن در نوجوانان دختر رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین مشخص گردید که مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده بحران هویت نوجوانان دختر، نحوه برخورد استبدادی والدین است.

علیایی‌طیبی‌شاهی و صادقی‌فرد (۱۳۹۵): در پژهشی با عنوان "بررسی رابطه بین پایگاه هویت با سلامت روانی و پیشرفت تحصیلی"، بر این نکته تاکید دارند که در مطالعات شخصیت انسان، هویت یک جنبه اساسی و درونی است که به کمک آن یک فرد با گذشته‌اش مرتبط شده و احساس تداوم و یکپارچگی در زندگی می‌کند. هدف از انجام این تحقیقی تعیین رابطه پایگاه هویت با سلامت روانی و پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان بوده و نتایج کلی تحقیق نشان داد که بین سبک‌های هویتی و سلامت روانی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رابطه معناداری وجود دارد. همچنین بین هوش هیجانی و سبک‌های هویت با انگیزه پیشرفت رابطه معناداری وجود دارد.

ادبیات تحقیق

بسیاری از مشکلات دوران کودکی و نوجوانی ریشه در چگونگی و نحوه گذر او از بحران هویت دارد و چنانچه ابعاد گوناگون این دوران مهم زندگی به دقت مورد مطالعه قرار گیرد و کودک یا نوجوان با آگاهی کامل این دوران را سپری کند، مصونیت وی در برابر آسیب‌های اجتماعی افزایش خواهد یافتو به سهولت هویت موفق را احراز خواهد کرد (ایروانی و یوسفی‌حمیدی، ۱۳۸۸)؛ نیاز به احساس هویت از شرایط هستی انسان سرچشمه می‌گیرد و منبع شدیدترین تلاش‌ها و کشش‌هاست، چون شخص بدون احساس من بودن نمی‌تواند از سلامت روانی برخوردار باشد. لذا برای به دست آوردن من از هیچ‌کاری فروگذار نیست. این نیاز در فراسوی میل شدید به موقعیت اجتماعی و انطباق نهفته است و گاهی شدیدتر از میل به ادامه زندگی جسمی است. مردم زندگی خود را به خطر می‌اندازند، از عشق خود صرف نظر می‌کنند، از آزادی خود چشم می پوشند، فکر و اندیشه خود را فدا می‌کنند تا جزئی از گروهی شوند و در نتیجه احساس هویت کنند. نیاز به پیوند، ریشه داشتن و اعتلا از لحاظ ابراز هویت آنچنان حیاتی است که اگر انسان نتواند این نیاز را به طریقی تأمین کند، سلامت روحی هم نخواهد داشت (فروم، ۱۳۷۰). از طرف دیگر مطابق با تئوری اریکسون رشد کودک، خود محصول عوامل متعددی و تبادلات پیوسته و پویایی بین ساختار بیولوژیکی، ژنتیک و ویژگی‌های محیطی است و یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر رشد روانی و اجتماعی است، روابط والدین و کودکان م باشد که از اهمیت بحرانی در زندگی کودک

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

در حال رشد برخوردار است. به طوری‌که کیفیت این روابط در سال‌های اوّلیه کودکی، اساس رشد شناختی، اجتماعی و هیجانی آینده را پایه‌گذاری می‌کند (همانجا).

هویت

جست‌وجوی هویت کاری دائمی است و از زمانی آغاز می‌شود که نوجوان متوجه قیافه خود در آینه می‌شود و از خود می‌پرسد: من چه کسی هستم؟. او از هیچ‌کس نبودن می‌هراسد و سرکشی و نافرمانی‌اش با والدین، تلاش و کشمکش برای یافتن هویت خویش است. هویت یعنی اعتقاد به اینکه ما فردی متمایز از دیگران و همچنین شخص مهم و باارزشی هستیم. به عبارت دیگر، هویت عبارت از افتراق و تمایزی است که فرد بین خود و دیگران می‌گذارد (Lawer, 2008). هویت شخصی یک ساختار روانی- اجتماعی است؛ یعنی هم شامل طرز تفکرها و عقیده‌ها می‌شود که معرف فرد است و هم نحوه ارتباط فرد با دیگران را می‌رساند.

هویت به معنی «چه کسی بودن» است و از نیاز طبیعی انسان به شناخته شدن و شناسانده شدن به چیزی یا جایی برمی‌آید. این حس تعلق، بنیادی ذاتی در وجود انسان دارد. برآورده شدن این نیاز، «خودآگاهی» فردی را در انسان سبب می‌شود و ارضای حس تعلق میان یک گروه انسانی، خودآگاهی جمعی و مشترک یا هویت بومی یا ملّی آن گروه انسانی را تعیین می‌کند (Jenkins, 1996). لذا هویت در قالب فردی و ملّی قابل تعریف است. هویت فردی شامل ویژگی‌های شخصیتی یک فرد است که موجب تمایز او از دیگری می‌شوند. درواقع، ابعاد گوناگون شخصیت یک فرد هویت او را مشخص می‌کند.

هویت از دیگاه‌های علمی مختلف

اکثر جامعه‌شناسان بر این واقعیت تأکید می‌کنند که احساس هویت به واسطه دیالکتیک بین‌فردی و جامعه شکل می‌گیرد. آنان کم‌وبیش می‌پذیرند که هویت معمولاً در نگرش‌ها و احساسات افراد نمود می‌یابد، ولی بستر شکل‌گیری آن زندگی جمعی است (Jenkins, 1996). "تاجفل" هویت را با عضویت گروهی پیوند می‌زند و آن‌را متشکل از سه عنصر می‌داند:

۱- عنصر شناختی (آگاهی از اینکه فرد به یک گروه تعلق دارد)،

۲- عنصر ارزشی (قضاوت فرد درباره پیامدهای ارزشی مثبت و منفی عضویت گروهی)،

۳- عنصر احساسی (احساسات نسبت به گروه و نسبت به افراد دیگری که رابطه خاصی با آن گروه دارند) (Tajfel, 1978).

بعضی معتقدند، هویت به زندگی افراد معنا می‌بخشد و هویت در جوانان فرایند ساخته شدن معنا بر پایه یک ویژگی فرهنگی با یک دسته ویژگی‌های فرهنگی است که بر دیگر منابع معنا برتری دارند (Castells, 1997). از این دیدگاه، هویت‌ها معناهایی کلیدی هستند که ذهنیت افراد را شکل می‌دهند و مردم به

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

واسطه آن‌ها نسبت به رویدادها و تحولات محیط زندگی خود حساس می‌شوند. مردم به دیگران می‌گویند که چه کسی هستند و مهم‌تر اینکه به خودشان می‌گویند چه کسی هستند. سپس به گونه‌ای رفتار می‌کنند که از آن‌ها انتظار می‌رود. بنابراین، هویت‌ها باید به‌عنوان سازه‌هایی فهمیده شوند که در روابط بین‌شخصی ساخته می‌شوند، نه به‌عنوان احساس تعلق کردن در چارچوب فردیت شخصی. درواقع، هویت یک سازه اجتماعی است و به‌طور اجتماعی تثبیت می‌شود و از زندگی اجتماعی روزمره مردم بیرون می‌آید (Lawer, 2008). "امانوئل کاستلز" هویت را چنین تعریف می‌کند: «روند ساخته شدن معنا بر پایه یک ویژگی یا یک دسته ویژگی‌های فرهنگی که بر دیگر منابع معنا برتری دارند. در نتیجه، معناساز بودن هویت، بر ساخته بودن آن دلالت می‌کند. به این معنی که چیزی طبیعی و ذاتی و از پیش موجود نیست، بلکه همیشه در حال ساخته شدن است. هویت‌ها همواره تولید و بازتولید می‌شوند».

موضوع هویت با ورود به دنیای مدرن و سر برآوردن هویت‌های تازه و خدشه‌دار شدن هویت‌های پیشین مورد توجه اندیشمندان حوزه‌های گوناگون قرار گرفت. ظهور پست‌مدرنیسم که به شدت تکثرگرا، چندپاره و نسبت‌گراست و جریان جهانی شدن و گذشتن از مرزهای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، شتاب گرفتن تغییرات رخداد انقلاب الکترونیک و حرکت به سمت جامعه اطلاعاتی و شبکه‌ای در عصر حاضر، مزید بر علّت شدند و هویت را بیش از پیش مورد توجه قرار دادند. از این‌رو، رشته‌هایی که بر بیش از سایر رشته‌ها به موضوع هویت تأکید داشتند، مانند روان‌شناسی و جامعه‌شناسی، نگرش و تعریف جدیدی از هویت ارائه داده‌اند و برای آن مراتب جدیدی متصور شده‌اند. در این نوشته سعی شده است از دیدگاه جامعه‌شناسی و با توجه به رویکردهای نظری آن، به هویت پرداخته شود.

رویکردهای نظری درباره هویت

دیدگاه کنش متقابل نمادین:

این دیدگاه تلاش دارد بنیادهای نظری هویت را در قالب سازه‌هایی اجتماعی ارائه کند. از این‌رو، سنت جامعه‌شناختی نظریه هویت بیش از همه به تعامل‌گرایی نمادین پیوند خورده است. قضیه بنیادین در تعامل‌گرایی نمادین از این قرار است که مردم معانی نمادین را به اشیا، رفتارها، خودشان و دیگران اطلاق می‌کنند. این معانی را طی تعامل‌هایشان به هم منتقل می‌کنند و بسط می‌دهند. پس معانی و در نتیجه هویت‌ها در طول تعامل شکل می‌گیرند و بسط می‌یابند. ویژگی مشترک در دیدگاه کنش متقابل نمادین اهمیتی است که برای محیط اجتماعی در شکل‌گیری خود قائل‌اند. لیکن رویکردهای تعامل‌گرا در تأکیدشان بر ساخت اجتماعی و هویت از سویی، و روندها و تعاملاتی که در طول آن‌ها هویت‌ها ساخته می‌شوند از طرفی با هم فرق دارند و به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱- تعامل گرایان ساختی ۲- تعامل گرایان فرایندی.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

۱- دیدگاه تعامل‌گرایان ساختی:

چهره شاخص تعامل‌گرایان ساختی مانفوردکان، پایه‌گذار مکتب "ایوا" است. متفکران این مکتب بر عملیاتی کردن مفاهیم تعامل‌گرایی نمادین به نحوی استاندارد تأکید دارند؛ به گونه‌ای که بتوان فرضیات را به گزاره‌های تعمیم‌پذیر درباره رفتار انسان تعبیر کرد. به نظر کان، خود انسان در کانون نظریه جامعه‌شناختی قرار دارد و در تعامل اجتماعی، با درونی شدن «ایستار»های دیگران نسبت به خود شکل می‌گیرد؛ دیگرانی که فرد با آن‌ها در تماس است، یا به نحوی از آن‌ها آگاه است. به منظور پژوهش می‌توان خود را مجموعه کم‌وبیش ثابتی از ایستارها درباره هویت خود شخص در نظر گرفت. به نظر "کان"، چون ایستارها گرایش به عمل دارند، بحث خود به‌عنوان مجموعه‌ای از ایستارها به این نتیجه‌گیری می‌انجامند که اگر هویت شخصی را با عمق کافی، همان‌طور که او خودش را می‌شناسد، بشناسیم، اطلاعات کافی برای تبیین فعالیت‌های او و پیش‌بینی فعالیت آینده‌اش در اختیار داریم (Beckert et al., 2015). اگر هم در یک مورد خاص نتوانیم پیش‌بینی کنیم، حداقل بعضی از گرایشات و تمایلات روشن و بعضی گزینه‌ها مشخص می‌شوند.

بدین ترتیب، کان خود را به‌عنوان مجموعه‌ای از ایستارها (یعنی من مفعولی) مفهوم‌سازی می‌کند و با پرسش از مردم درباره ایستارهایشان نسبت به خودشان، موضوع ذهنیت خود را پوشش می‌دهد. این کار تلاشی عینی برای کشف هویتی ذهنی است. کان آزمون ۲۰ جمله‌ای معروف خود (با عنوان من کیستم) را به همین منظور تنظیم کرد.

کان دریافت که پاسخ به پرسش من کیستم را می‌توان به دو گروه اجتماعی و نیمه‌اجتماعی تقسیم کرد. پاسخ‌های اجتماعی پاسخ‌هایی درخصوص تشخیص هویت هستند که برای دیگران آشکارند یا می‌توانند آشکار باشند. اموری مانند تعلق مذهبی، جنسیت، تعلق طبقاتی و مانند این‌ها در این مقوله قرار می‌گیرند. مقوله نیمه‌اجتماعی شامل آن اقلام تشخیص هویت است که ما آن‌ها را خصوصی‌تر می‌دانیم؛ مانند خوش‌حالی و غم، خوش‌بینی و بدبینی و مانند این‌ها. به زعم کان، اکثر افراد ابتدا به هویت اجتماعی و فقط پس از آن به هویت نیمه‌اجتماعی (جهان خصوصی‌تر خود شاید از نظر ارتباطی کمتر تنفیذ شده) می‌روند تا خودشان را با احکام نیمه‌اجتماعی شناسایی کنند. این نکته تفسیر ساده‌ای دارد. فرض بر آن است که افراد خودشان را از خلال تماس با دیگران می‌شناسد. نظریه من مفعولی می‌گوید که ایستارهای خود محصول افکار دیگران در مورد ما هستند. این ایستارهای خود که برای ما اهمیت زیادی دارند، ایستارهای اجتماعی ما را می‌سازند. کان این گرایش به تفکر سریع و بدون مقدمه درباره بعضی ایستارهای خود را عامل برجستگی می‌نامد، به گونه‌ای که هرچه یک ایستار سریع‌تر به ذهن بیاید، برجسته‌تر است. البته تشخیص هویت اجتماعی به نوعی برجسته است.

اهمیت پژوهش کان توجه به دو موضوع است: یکی به این نکته که برجستگی موارد اجتماعی تشخیص هویت برای تمام افراد صدق نمی‌کند و افراد در نشان دادن وابستگی به جنس، تحصیلات، مشارکت در

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

گروه و مانند این‌ها با یکدیگر متفاوت‌اند، و دیگر اینکه با ابزار استانداری مانند آزمون احکام ۲۰ جمله‌ای می‌توان میزان تفاوت افراد با یکدیگر را در موضوع تشخیص هویت سنجید و بین این امور و سایر ویژگی‌های آنان روابط هم‌بستگی برقرار کرد.

۲- دیدگاه تعامل‌گرایان فرایندی:

هربرت بلومر، از جامعه‌شناسان مکتب شیکاگو، شخصیت برجسته تعامل‌گرایان فرایندی محسوب می‌شود. وی کار کان را از ظرایف و دقایق بی‌بهره می‌داند و معتقد است کان با ۲۰ گزاره خود نمی‌تواند به اندازه سایر تعامل‌گرایان، روابط و شکل آن‌ها را بررسی کند. تعامل‌گرایان فرایندی بر فرایندهای مذاکره تأکید دارند؛ مذاکره درباره اینکه افراد چه کسانی هستند. این مذاکره‌ها هستند که زمینه ارائه خود یا مدیریت بیان را مهیا می‌سازند. در نتیجه، هویت‌ها سازه‌های اجتماعی راهبردی‌ای هستند که طی تعامل ایجاد می‌شوند و دارای پیامدهای مادی و اجتماعی‌اند. مذاکره سازوکارهای تعاملی خاصی را آشکار می‌سازد که طی آن‌ها هویت‌ها ساخته می‌شوند. این سازِکارها نیز همیشه به وسیله سلسله مراتب اجتماعی شکل می‌گیرند. گافمن، به‌عنوان کسی که جامعه‌شناسی مردم‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی را با هم ترکیب می‌کند، چگونگی درگیر شدن سلسله مراتب منزلتی در چرخ‌دنده‌های تعاملی را با جزئیات تشریح کرده است. گافمن زندگی را به مثابه صحنه نمایش نقش‌ها می‌داند.

نظریه نظام اجتماعی پارسونز:

نظریه نظام اجتماعی پارسونز شرایط شکل‌گیری «خود» را بیان می‌کند. «خود» راهی برای شناختن هویت فراهم می‌کند. پس در این نظریه می‌توان با ساختار جامعه و چگونگی تأثیر آن در فرد آشنا شد. در نظریه پارسونز نظام فرهنگی، به دلیل دارا بودن عناصر نمادین و ارزش‌ها، مهم‌ترین نظام است. همچنین، به علّت نمادین بودن، توانایی انتقال به دیگر نظام‌ها را دارد؛ به طوری‌که در نظام اجتماعی، به‌صورت الگوهای عملی (هنجارها) در می‌آید و در نظام شخصیت، دستیابی به هدف‌ها را ممکن می‌سازد (روشه، ۱۳۷۱).

در نظام شخصیت، نظام فرعی هویت وجود دارد که اساس پایداری شخصیت را می‌سازد و می‌تواند بر سایر نظام‌های فرعی شخصیت و نیز روابط میان آن‌ها نظارت کند. از طرف دیگر، نظام شخصیت، عناصر لازم برای ثبات درون، و رشد و بالندگی برای موفقیت رفتار در جامعه معین را در الگوهای فرهنگی می‌یابد (همانجا). حال اگر در نظام فرهنگی خللی وارد آید و مقدار ورودی و خروجی آن متعادل و معقول نباشد، این نظام توانایی نمادین خود (قابل انتقال بودن به نظام دیگر) را از دست خواهد داد.

نظام شخصیت هم که عناصر لازم برای ثبات درونی‌اش را از الگوهای دیگر، اعم از الگوهای فرهنگی، می‌گیرد، نمی‌تواند کارش را به درستی انجام دهد. پس داخل نظام شخصیت، نظام فرعی هویت هم دچار

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

ضعف می‌شود. بدین ترتیب، شرایط پژمردگی و اضمحلال در افراد به وجود می‌آید و جامعه بحران‌زده می‌شود (تنهایی، ۱۳۷۴).

نظریه هویت اجتماعی:

نظریه هویت اجتماعی را "تاجفل" و همکارانش تدوین کرده‌اند. براساس این نظریه، هویت دو وجه فردی و اجتماعی دارد. هویت فردی بر جنبه‌هایی از خود ناظر است که سبب تمایز فرد از دیگران می‌شود و خاص فرد است. در مقابل، هویت اجتماعی بیانگر تشابهات فردی است. در این بعد، فرد خود را بر مبنای وابستگی‌های گروهی یا طبقاتی تعریف می‌کند. تاجفل هویت اجتماعی را دانش فرد از تعلق به گروه اجتماعی خاص و اهمیتی می‌داند که برای این عضویت و تعلق قائل است. او توقع دارد، گروهش ویژگی‌هایی داشته باشد که با ویژگی‌های سایر گروه‌ها قابل رقابت باشد. براساس این دیدگاه، هر زمان که احساس تعلق به گروه افزایش می‌یابد، فرد به حالتی شبیه آنچه «دگرسان‌بینی خود» گفته می‌شود، دست می‌یابد. فرد تا حد امکان با گروه همانندسازی می‌کند و از تفاوت‌های خود با دیگران می‌کاهد. در این حالت او خود را براساس قوانین گروهی تعریف می‌کند.

تاجفل و همکارانش دریافتند، دسته‌بندی اجتماعی افراد در دو گروه مجزا می‌تواند به گونه‌ای رفتار بین گروهی بینجامد که افراد به نفع اعضای گروه خود و به ضرر افراد بیرون از گروه عمل کنند. در واقع، این موضوع آشکار کرد که آگاهی از بودن در یک گروه در مقابل گروه دیگر، تحت شرایط خاص، برای به راه افتادن فرایندهای رقابت و تبعیض بین‌گروهی کافی است.

"تاجفل" و "ترنر" این بحث را پیش کشیدند که دسته‌بندی اجتماعی افراد در این پارادایم، حداقل هویتی اجتماعی برای آنان ایجاد می‌کند. به عبارت دیگر، آنان عضویت در دسته اجتماعی مشخص را به‌عنوان تعریف خود پذیرفتند. هویت اجتماعی به‌عنوان جنبه‌ای از خودانگاره شخصی مبنی بر عضویت مفهوم‌سازی شد؛ به این معنا که هویت اجتماعی تعریف شخص از خود است، براساس برخی از عضویت‌های گروه اجتماعی و با ملاحظات ارزشی و احساسی مقارن آن. بنا بر نظریه تاجفل، هویت اجتماعی به‌عنوان آگاهی فرد از تعلق به یک گروه اجتماعی معین و ارزش و اهمیت عاطفی این عضویت برای فرد مفهوم‌سازی شده است. در نتیجه، با تعلق افراد به گروه‌های متفاوت است که آن‌ها به هویت اجتماعی معرف وضعیت به‌خصوصشان در جامعه دست می‌یابند. اما تعلق به یک گروه معین، فقط در صورتی به مشارکت در یک هویت اجتماعی مثبت می‌انجامد که مشخصات آن گروه بتواند به‌طور جانب‌دارانه‌ای با دیگر گروه‌ها مقایسه شود. در این مقایسه، افراد به داوری به نفع گروه خود گرایش دارند.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

روش تحقیق

این پژوهش به لحاظ هدف از نوع مطالعات کاربردی بوده و روش تحقیق آن از نوع توصیفی- همبستگی است. جامعه آماری شامل ۶۷۲۶ نفر از کل دانش‌آموزان بخش داشلی‌برون شهرستان گنبدکاووس در استان گلستان بوده که با بهره‌گیری از فرمول کوکران، حجم نمونه پژوهش شامل ۲۱۰ نفر[۱]از دانش‌آموزان این منطقه می‌باشد. با توجه به تعداد متغیرها و انتخاب ۳۰ نفر به ازای هر متغیر و به منظور جلوگیری از افت نمونه تعداد ۲۱۰ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند.

محقق در تحلیل آماری دو بخش را مد نظر می‌گیرد؛ بخش آمار توصیفی و آمار استنباطی برای بررسی، تحلیل و تشریح آزمون فرضیات استفاده می‌گردد. در بخش آمار توصیفی، از جداول توزیع فراوانی، شاخص‌های مرکزی و پراکندگی استفاده می‌شود و برای بخش آمار استنباطی نیز، آزمون تحلیل همبستگی و رگرسیون با کمک نرم‌افزار آماری SPSS. 24 استفاده شد. همچنین سطح معناداری در پژوهش حاضر p=۰/۰۵ تعیین گردید. ضمن اینکه میزان پایایی پرسشنامه محقق‌ساخته با تایید روایی آن از طرف متخصصین و کارشناسان راهبر اداره آموزش و پرورش شهرستان گنبدکاووس، بر اساس ضریب آلفای کرونباخ کلی که ۰/۸۶۲ به دست آمده است، مورد تأیید قرار گرفته است (جدول۱).

جدول۱: سنجش پایایی سوالات پرسشنامه محقق‌ساخته؛ با آزمون آلفای کرونباخ

شاخص‌ها	تعداد گویه‌ها	N	مقادیر α
بحران هویت	۸	۲۱۰	۰/۸۲۱
ثبات فردی	۸	۲۱۰	۰/۹۱۳
رشد روانی دانش‌آموزان	۹	۲۱۰	۰/۸۵۲
کل	۲۵	۲۱۰	۰/۸۶۲

گفتنی است فرضیه اصلی تحقیق عبارت است از: «به نظر می‌رسد که بین میزان رشد روانی اجتماعی با بحران هویت دانش‌آموزان بخش داشلی‌برون شهرستان گنبدکاووس رابطه معناداری وجود دارد». با توجه به این فرضیه کلی، می‌توان فرضیه‌های فرعی ذیل را نیز برشمرد:

الف: به نظر می‌رسد که بین میزان رشد روانی اجتماعی با بحران هویت دانش‌آموزان منطقه مورد مطالعه رابطه معناداری وجود دارد.

---

۱ نحوه محاسبه برآورد حجم نمونه با دخالت جامعه آماری به قرار ذیل می‌باشد (حافظ نیا، ۱۳۸۷):

t (۶۷۲۶**N**= و با درصد احتمال صحت گفتار ۹۵٪=**d**=۱/۹۶)، **s2**=۰/۰۵، ۰/۱۴

$$n=\frac{Nt^2s^2}{Nd^2+t^2s^2}\Rightarrow n=\frac{6726\left(1.96^2\times0.14^2\right)}{6726\left(0.05^2\right)+\left(1.96^2\times0.14^2\right)}=208.46\cong210$$

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

ب: به نظر می‌رسد که بین بحران هویت با میزان رشد روانی اجتماعی دانش‌آموزان محدوده مطالعاتی رابطه معناداری وجود دارد.

یافته‌های تحقیق

در مطالعه حاضر هدف کلی، واکاوی روابط میان رشد روانی اجتماعی دانش‌آموزان بخش داشلی‌برون شهرستان گنبدکاووس و بحران هویت آنان است. از این‌رو با توجه به این هدف، اهداف فرعی دیگری را نیز متصور شدیم از جمله: الف) بررسی و تعیین رابطه میزان رشد روانی اجتماعی دانش‌آموزان بخش داشلی‌برون گنبدکاووس با بحران هویت آنان؛ ب) بررسی و تعیین رابطه میان بحران هویت دانش‌آموزان بخش داشلی‌برون گنبدکاووس با میزان رشد روانی اجتماعی آنها. لذا در بخش یافته‌های تحقیق، متغیرهای مورد بررسی آن در دو سطح اسمی و ترتیبی، عمدتاً در قالب طیف لیکرت اندازه‌گیری شده است.

همچنین روش داده‌پردازی و نیز تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق حاضر در دو سطح توصیفی از قبیل فراوانی، درصد، میانگین، انحراف معیار و سایر آزمون‌های آماری، مانند آزمون ضریب همبستگی و رگرسیون است.

جهت تجزیه و تحلیل فرضیه اوّل مبنی بر: به نظر می‌رسد که بین میزان رشد روانی اجتماعی با بحران هویت دانش‌آموزان بخش داشلی‌برون شهرستان گنبدکاووس رابطه معناداری وجود دارد (جدول۲).

جدول۲: سنجش میزان همبستگی بین بحران هویتی دانش‌آموزان و رشد روانی اجتماعی آنان

مولفه‌ها	آزمون همبستگی		
	Spearman Correlation	N	.Sig
بحران هویتی دانش‌آموزان	-۰/۳۲۵	۲۱۰	-۰/۰۰۱ **
رشد روانی دانش‌آموزان			

** : معناداری در سطح ۰/۰۱

با توجه به داده‌های آماری جدول شماره (۲) می‌توان بیان نمود که بین رشد روانی اجتماعی دانش‌آموزان بخش داشلی‌برون شهرستان گنبدکاووس و بحران هویتی آنان همبستگی منفی (معکوس) معناداری وجود دارد ($p< 0.01$).

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

جدول۳- پیش‌بینی رشد روانی اجتماعی مبتنی بر بحران هویتی دانش‌آموزان، آزمون رگرسیون

متغیر اصلی	متغیر پیش‌بین	B	β	خطای استاندارد	T	Sig.
رشد روانی اجتماعی	بحران هویتی	-۰/۱۹	-۰/۳۷	۰/۰۱	-۶/۱۷	۰/۰۰۱ **
ADRS =۰/۱۵ R = ۰/۳۹ F =۲۶/۱۴						

** : معناداری در سطح ۰/۰۱

نتایج آماری جدول شماره (۳) بیان نمود که با افزایش یک انحراف استانداردی متغیر رشد روانی اجتماعی دانش‌آموزان، متغیر بحران هویت نیز به میزان ۰/۳۹ انحراف استاندارد کاهش می‌یابد؛ بعبارتی، متغیر رشد روانی اجتماعی دانش‌آموزان به‌صورت منفی بحران هویتی را پیش‌بینی می‌کند.

در ادامه، به بررسی این مسئله که «بین ثبات فردی با رشد روانی اجتماعی دانش‌آموزان بخش داشلی‌برون شهرستان گنبدکاووس رابطه‌ای وجود دارد»، پرداخته شد (جدول۴).

جدول٤: سنجش همبستگی بین متغیرهای بحران هویت و رشد روانی اجتماعی دانش‌آموزان

مولفه‌ها	آزمون همبستگی		
	Spearman Correlation	N	Sig.
ثبات فردی دانش‌آموزان	۰/۴۱۲	۲۱۰	۰/۰۰۰ **
رشد روانی اجتماعی			

** : معناداری در سطح ۰/۰۱

با توجه به داده‌های آماری جدول شماره (۴) می‌توان گفت که میان متغیرهای ثبات فردی و رشد روانی اجتماعی دانش‌آموزان محدوده مورد مطالعه، همبستگی مستقیم و معناداری وجود دارد (**p< 0. 01**).

جدول۵: پیش‌بینی رشد روانی اجتماعی مبتنی بر ثبات فردی دانش‌آموزان، آزمون رگرسیون

متغیر اصلی	متغیر پیش‌بین	B	β	خطای استاندارد	T	Sig.
رشد روانی اجتماعی	ثبات فردی	۱/۷۹	۰/۲۸	۰/۳۱	۴/۱۳	۰/۰۰۳ **
ADRS =۰/۰۹ R = ۰/۲۱ F =۱۵/۸۱						

** : معناداری در سطح ۰/۰۱

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

داده‌های آماری مندرج در جدول شماره (۵) نشان داد که با هر بار افزایش انحراف استاندارد متغیر ثبات فردی دانش‌آموزان، متغیر رشد روانی اجتماعی آنان به میزان ۰/۲۱ انحراف استاندارد افزایش می‌یابد. بعبارتی، متغیر ثبات فردی به صورت مثبت متغیر رشد روانی اجتماعی دانش‌آموزان را پیش‌بینی می‌کند.

نتیجه‌گیری

نیاز به احساس هویت از شرایط هستی انسان سرچشمه می‌گیرد و منبع شدیدترین تلاش‌ها و کشش‌هاست. از این‌رو، جست‌وجوی هویت کاری دائمی است. بعبارتی، هویت یعنی اعتقاد به اینکه ما فردی متمایز از دیگران و همچنین شخص مهم و باارزشی هستیم. لذا هویت شخصی یک ساختار روانی- اجتماعی است؛ یعنی هم شامل طرز تفکرها و عقیده‌ها می‌شود که معرف فرد است و هم نحوه ارتباط فرد با دیگران را می‌رساند. در این میان، هویت فردی شامل ویژگی‌های شخصیتی یک فرد است که موجب تمایز او از دیگری می‌شوند. درواقع، ابعاد گوناگون شخصیت یک فرد هویت او را مشخص می‌کند. برخی معتقدند، هویت به زندگی افراد معنا می‌بخشد و هویت در کودکان یا جوانان فرایند ساخته شدن معنا بر پایه یک ویژگی فرهنگی با یک دسته ویژگی‌های فرهنگی است که بر دیگر منابع معنا برتری دارند. از طرفی، هویت‌ها معناهایی کلیدی هستند که ذهنیت افراد را شکل می‌دهند و مردم به واسطه آن‌ها نسبت به رویدادها و تحولات محیط زندگی خود حساس می‌شوند. بنابراین، هویت‌ها باید به‌عنوان سازه‌هایی فهمیده شوند که در روابط بین‌شخصی ساخته می‌شوند؛ یعنی، هویت یک سازه اجتماعی است و به شکل اجتماعی تثبیت می‌شود و از زندگی اجتماعی روزمره مردم بیرون می‌آید.

رشد روانی اجتماعی یکی از جنبه‌های اساسی زندگی انسان‌هاست که قادر است شاخص‌ها و معیارهای سلامت روانی آنان، به ویژه کودکان و نوجوانان را متاثر نماید. از این‌روی تحقیق حاضر به منظور بررسی، سنجش و واکاوی روابط رشد روانی اجتماعی و بحران هویتی دانش‌آموزان انجام شد. روش تحقیق این مطالعه از نوع توصیفی- همبستگی بوده که جامعه آماری آن شامل دانش‌آموزان بخش داشلی‌برون شهرستان گنبدکاووس در استان گلستان می‌باشد. با توجه به موضوع کلی تحقیق، پس از بررسی ادبیات مفهومی و مبانی نظری پشتیبان تحقیق، به بررسی روابط میان مولفه‌های آن با بهره‌گیری از آزمون‌های آمار توصیفی و استنباطی پرداخته شد.

نتایج کلی تحقیق بیانگر آن است که با افزایش یک انحراف استانداردی متغیر رشد روانی اجتماعی، متغیر بحران هویت ۰/۳۹ انحراف استاندارد کاهش می‌یابد. یعنی، متغیر رشد روانی اجتماعی به صورت منفی بحران هویت را پیش‌بینی می‌کند. این موضوع بیانگر این واقیت است که رشد هویتی شامل فعالیت‌های جستجوگر نسبت به دیدگاه‌ها، ارزش‌ها، و تعهد یافتن به آنها در طول زندگی است. همچنین بحران هویت دوره‌ای است در کودکی و نوجوانی که ویژگی آن عدم یقین قابل ملاحظه‌ای درباره خود و نقشی که کودک و نوجوان باید آن را در جامعه ایفا کند، است. از نظر اریکسون چنین بحرانی برای هر کودک و

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

نوجوانی رخ می‌دهد و حل کامل آن منجر به هویت‌یابی و در نتیجه ایجاد صمیمیت و عدم حل آن باعث سردرگمی در نوجوان می‌شود. بعلاوه، نتایج این تحقیق نشان داد که با افزایش یک انحراف استانداردی متغیر ثبات فردی، متغیر رشد روانی اجتماعی به میزان ۰/۲۱ انحراف استاندارد افزایش می‌یابد. بعبارتی، متغیر ثبات فردی به صورت مثبتی قادر به پیش‌بینی متغیر رشد روانی اجتماعی است.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

فهرست منابع و مآخذ

ـ اخوان‌تفتی، م. و موسوی، س. ف. (۱۳۸۶)، مجله روان شناسی و علوم تربیتی، سال ۳۷، شماره ۱.

ـ اسکندری، ح. (۱۳۹۱)، بررسی رابطه بین میزان فعالیت‌های پرورشی مدارس و ابعاد هویتی دانش‌آموزان، فصلنامه روانشناسی تربیتی، دوره ۸، شماره ۲۵.

ـ ایروانی، م. ر. و یوسفی‌حمیدی، س. (۱۳۸۸)، بررسی رابطه بین عملکرد خانواده و بحران هویت نوجوانان خمینی‌شهر، مجله مطالعات جامعه شناسی، دوره ۲، شماره ۴.

ـ ایزرائیل، آ. و نلسون، و. (۱۹۷۷)، اختلال‌های رفتاری کودکان، ترجمه حسین لطف‌آبادی، تهران: انتشارات به نشر.

ـ تنهایی، الف. (۱۳۷۴)، نظریه‌های جامعه‌شناسی. انتشارات قلم. تهران.

ـ حافظ‌نیا، م. ر. (۱۳۸۶)، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، تهران: انتشارات سمت.

ـ رجایی، ع. ر. ، حاجی‌اربابی، ف. و افضل‌القوم، ح. (۱۳۹۳)، بررسی رابطه نحوه برخورد والدین با بحران هویت نوجوانان، پژوهشنامه تربیتی، دوره ۹، شماره ۳۹.

ـ روشه، گ. (۱۳۷۱)، تغییرات اجتماعی. ترجمه منصور وثوقی. نشر نی. تهران.

ـ علیایی‌طیبی‌شاهی، ز، صادقی‌فرد، م. (۱۳۹۵)، بررسی رابطه بین پایگاه هویت با سلامت روانی و پیشرفت تحصیلی، مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی، دوره دوم، شماره ۳.

ـ فروم، الف. (۱۳۷۰)، جامعه سالم، ترجمه: اکبر تبریزی، تهران: انتشارات بهجت.

ـ مریدی، م. ر. و تقی‌زادگان، م. (۱۳۸۶)، بررسی بحران هویت در بین دانش آموزان (نمونه موردی دانش‌آموزان شهر لار در سال تحصیلی (۸۵-۱۳۸۴)، مجله مطالعات ملّی، دوره ۸، شماره ۲ (۳۰).

ـ هاشمی، ن. و رضوی، س. ع. (۱۳۸۷)، بررسی و مقایسه سبک‌های هویت و عوامل مرتبط با آن در دانش‌آموزان نوجوان شاهد، فصلنامه روانشناسی تربیتی، دوره ۴، شماره ۱۳.

__ Baoliang, Z. (2010). Detection rate and related factors of behavior problems among children in Wuhan city, Chinese Mental Health Journal, 24, pp: 833–838.

__ Beckert, T. E. , Lee, C. T. and Ota, C. L. (2015). Correlates of Psychosocial Development for Taiwanese Youth, Journal of Cross-Cultural Psychology, 46 (6), pp: 837– 855.

__ Carraro, A. and Gobbi, E. (2012). Effects of an exercise program on anxiety in adults with intellectual disabilities, Research in Developmental Disabilities, 33, pp: 1221- 1226.

__ Castells, M. (1997), The Power of ldentity, Oxford: Blackwell.

__ Jenkins, R. (1996), Social Identity, London: Roatledge.

__ Kim, B. K et al(2016), Examining protective factors against violence among high-risk youth: Findings from the Seattle Social Development Project, Journal of Criminal Justice, Volume 45, pp: 19–25.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

__ PLawer, S. (2008). Identity: Sociological Perspectives, Cambridge: Policy Press.
__ Tajfel, H. (1978). Differentiation Between Social Groups, London: Academic.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]